بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری 15 مهر 1396

از بحث های اصاله البرائه یک بحث مهمی باقی مانده است که این روزها یک مقداری در موردش صحبت می کنیم و آن جریان اصاله البرائه در شبهات موضوعیه است. این بحث را در کفایه به این شکل به این عنوانی که عرض کردم مطرح نکرده است ولی در کلمات آقایان بعدی عنوان جریان اصاله البرائه در شبهات موضوعیه عنوان داده شده است. کفایه عنوان تنبیهات برائت

تنبیه سوم برائت به این تعبیر دارد

إنّه لا يخفى أنّ النّهي عن شي‌ء إذا كان معنى طلب تركه في زمان أو مكان بحيث لو وجد في ذاك الزّمان أو المكان و لو دفعة لما امتثل أصلا كان اللّازم‌ على المكلّف إحراز أنّه تركه بالمرّة و لو بالأصل

ایشان بحث را در کفایه در مورد نهی صرفا مطرح کرده است نه در مورد امر و من در عبارت های مجموع عبارت هایش ولو بحث را تطبیق کرده بر شبهات موضوعیه ولی نکاتی که ذکر می کند این نکات ظاهرا یک مقداری تعمیم دارد. علی أیّ تقدیر ایشان اشاره می کنند که نهی از یک طبیعت، یک موقعی دو جور تصویر ایشان می کنند. یک جور این است که آن طبیعت باید کامل ترک شود به طوری که اگر یک فرد از افراد طبیعت در یک مکان یک زمان اتیان شود، طبیعت امتثال نشده است و به درد نمی خورد. یک جور دیگر این است که نهی از طبیعت به معنای نهی از تک تک افراد هست. طلب ترک تک تک افراد. به نحو انحلالی در واقع. وقتی می گوییم لا تکذب، این معنایش این است که تک تک افراد کذب را باید ترک کرد. جمیع ترک کذب ها مطلوب شارع هست. خب ایشان می فرمایند اگر آن قسم اول باشد اینجا اگر در جایی ما شک کردیم که یک فردی از افراد جزو افراد این طبیعت هست یا نیست ما باید احتیاط کنیم. ولی اگر قسم دوم باشد، خب اصاله البرائه محکّم هست و اینجا اصاله البرائه جاری می شود. البته گاهی اوقات با اصل ما ممکن است اصاله البرائه را احراز کنیم. حالت سابقه یک فردی یا طبیعتی عدم باشد نمی دانیم این عدم به وجود تبدیل شده است یا خیر. استصحاب عدم طبیعت یا عدم یک فرد خاص ممکن است انسان بکند ان یک بحث دیگر است. ولی بهر حال اصاله البرائه در آن قسم اول جاری نمی شود. خب این طرح بحث را ملاحظه می فرمایید طرح بحث اختصاص به شبهات موضوعیه ندارد. ولی این تطبیقی که ایشان کرده است رو شبهات موضوعیه تطبیق کرده است. ولی در کلمات آقایان بعد بحث به شبهات موضوعیه اختصاص پیدا کرده است. حالا ببینیم آیا این بحثی که اینجا مطرح شده است بحث عامی است به صورت عام می توانیم آن را مطرح کنیم یا شبهه موضوعیه یک خصوصیتی در این بحث دارد. این یک نکته. نکته دیگر اینکه مرحوم آخوند این بحث را نهی طرح کرده است. نهی از طبیعت ولی طرح بحثی که در کلمات بعضی از آقایان هست جریان اصاله البرائه در شبهات موضوعیه است. چه شبهات موضوعیه تحریمیه و چه شبهات موضوعیه وجوبیه. در هر دو بحث را طرح کرده اند. آیا در این بحث بین تحریمیه و وجوبیه فرقی هست یا نیست. این هم دو مرحله بحث هست که باید به آن بپردازیم. خب اینجا من امروز بیشتر می خواهم طرح بحث کنم. حالا بررسی اش باشد فردا انشاء الله. این بحث را خب در اجود التقریرات بحثش مطرح شده است. در کلمات آقای خویی مطرح شده است. حالا من یک مقداری طرح بحث را از کلمات اقای خویی اینجا بحث کنم بعد بعضی از کلمات دیگر بحث می کنیم. مرحوم آقای خویی می فرمایند که مرحوم اخوند بحث را نهی را به این دو قسم تقسیم کرده است. این دو قسم درست نیست. یعنی منحصر به این دو قسم نیست. چهار قسم در مسئله داریم و حکم این چهار قسم هم احیانا با هم فرق دارد. ایشان دو قسم کرده است و بعد این احکام را بیان کرده است به این شکل نباید بحث طرح شود. طبیعتی که نهی به او تعلق می گیرد گاهی اوقات طبیعت به نحو صرف الوجود ملاحظه می شود. یعنی طبیعتی که ناقض عدم محض است. یک موقعی هست از این طبیعت در خارج هیچ وجود ندارد یک موقعی هست از این طبیعت فی الجمله فردی یا افرادی وجود دارد. این صرف الوجود گاهی اوقات مبغوض است. این یک جور است. مثالش یک بنده خدایی می خواهد بخوابد اگر افراد حرف بزنند دیگر خوابش از سرش می پرد وقتی خوابش از سرش پرید دیگر دوباره خوابش نمی برد. می گوید لا تتکلّموا. آن که مبغوض هست تحقق صرف الوجود طبیعت است. طبیعت کلام وقتی در خارج تحقق پیدا کرد فرد دوم فرد سوم فرد چهارمش دیگر این مبغوضیتی ندارد. آن اصل تحقق طبیعت مبغوض است. این یک جور است. یک جور دیگر این است که مطلق وجود مبغوض هست. طبیعت به نحو مطلق وجود ملاحظه می شود. با وجود ساری گاهی اوقات تعبیر می شود. یعنی تک تک افراد طبیعت ملاک مستقل دارد مبغوضیت مستقل دارد حرمت مستقل دارد و به تبع امتثال مستقل دارد. در همه مراحل مربوط به حکم جنبه انحلال وجود دارد. مثالی که زدیم لا تکذب، شخصی یک بار دروغ گفت دروغ های بعدی از مبغوضیت نمی افتد. هر دروغی برای خودش یک ملاکی دارد ملاک مستقلی دارد و آن هم یک جور. یک مدل دیگر سبک سومی وجود دارد آن این است که طبیعت به نحو مجموعی مبغوض است. یعنی تمام افراد طبیعت اگر بخواهد تحقق پیدا کند آن مبغوض شارع است. مبغوض شارع کل افراد طبیعت به طور کامل که به طوری که اگر شما یک فرد از افراد طبیعت را تحقق ببخشید آن چیزی که مطلوب هست این است که مجموع چیزی که مبغوض هست مجموع افراد است. به طوری که اگر یک فرد را شخص ترک کند دیگر اطاعت کرده است. اطاعت ترک یک فرد از افراد طبیعت تحقق پیدا می کند. مثلا می گوید شما حالا ببینم مثال هم برایش زده است یا خیر که نه مثال خاصی نزده است.

سؤال:

پاسخ: خب بله می شود. می گوید در این اتاق همه نخوابید. بعد خودش هم در این اتاق بخوابد به طوری که اگر یک جای خالی برای خودش باقی گذاشته باشد آن کأنه کفایت می کند. این را به این شکل ایشان مثال می زند. در واقع مجموع افراد طبیعت، تحقق مجموع، عام مجموعی ان مبغض شارع هست. این هم یک جور.

یک نحو چهارمی هست آن این است که اصلا خود طبیعت مبغوض نیست. یک امر بسیطی که حاصل می شود از طبیعت آن امر بسیط مبغوض هست. آن ترک ها را که ما می خواهیم محقق کنیم برای تحقق آن امر بسیط است. یعنی به طوری که هر فردی از افراد طبیعت که تحقق پیدا کند مانع تحقق آن امر بسیط می شود. ما نمی دانیم آن امر بسیط تحقق پیدا کرده است یا خیر. این هم این شکلی.

سؤال:

پاسخ: ترک مجموع خود آن ترک ها مبغوض هستند ولی اینجا معلول ترک ها هست. می گوید

سؤال:

پاسخ: احکامش هم فرق دارد

آقای خویی نظرشان این است که در شبهات مصداقیه اگر جایی شک کردیم که آیا یک فردی از افراد طبیعت هست یا فردی از آن افراد طبیعت نیست. آقای خویی فقط در این قسم چهارم می گویند که اصاله الاشتغال جاری است. میگویند شک در محصل است و شک در محصّل مجرای اشتغال است. یعنی شارع مقدس به ما گفته است که یک امر بسیطی را تحقق ببخشیم ما نمی دانیم با اتیان آن فرد مشکوک این امر بسیط تحقق پیدا می کند یا نمی کند. با اتیان آن امر بسیط تحقق آن امر مشکوک هست یا نیست. بنابراین شک ما در محصل است. یعنی در آن چیزی که نهی شارع به او تعلق گرفته است شک ند اریم. آن یک امر بسیط هست نمی دانیم خارجا آن امر تحقق پیدا می کند یا نمی کند. ایشان می گوید این صورت اخیر فقط مجرای اشتغال است در سایر صورت ها مجرای برائت هست. در این صور یک صورتش تقریبا روشن هست که مجرای برائت است. صورتی که به نحو وجود ساری باشد. آن واضح است که آن مجرای برائت است. تکلیف های متعدد هست نمی دانیم فلان چیز کذب هست یا نیست. شک داریم در کذب بودن یا نبودنش. گفت توهین نکن. نمی دانیم این عملی که از من دارد سر می زند مصداق توهین هست یا نیست. جمیع افراد توهین مبغوض شارع هست نمیدانم این مصداق توهین هست یا نیست. برائت جاری می شود از مصداق توهین بودن. حالا اگر اصل های دیگر منجّز اینجا وجود نداشته باشد که مثلا اگر انسان شک هم بکند در آبروی مؤمن و لازم باشد که آبروی مؤمن را حالا در موارد مشکوک هم حالا منهای آن بحث های جانبی دیگر، در جایی که اصل مبغوض شارع انحلالی هست این تقریبا روشن است بحثی نیست. بحث در صور دیگر مسئله است. هم بحث صرف الوجود

مرحوم آقای حائری در درر در هر دو صورت هم آن جایی که به نحو صرف الوجود باشد هم به نحو مطلق الوجود باشد، در هر دو صورت حکم به اشتغال کرده اند. ایشان می گوید برائت اگر جاری نبود نمی شود و اینجا را با شک در محصّل فرقی نگذاشته اند در واقع می خواهند بگویند بازگشت به شک در محصّل. بیان ایشان این است. اقای اراکی در اصول فقهی که از ایشان چاپ شده است همین مطلب را نقل می کنند که اینجا مجرا مجرای برائت است ولی از مرحوم آقا میرزا محمد تقی شیرازی، آقا سید محمد فشارکی از قول مرحوم حاج شیخ نقل می کنند که اینها قائل به برائت بودند و آن را ایشان بحث کرده است. مرحوم نائینی خودشان در بحث لباس مشکوک الصلوه لباس المشکوک مفصل این بحث را طرح کرده اند یک مقداری گسترده تر از این بحث که در مصباح الاصول آقای خویی، صور زیادی در مسئله را عنوان کرده اند و بحث را آنجا

بحث مرحوم نائینی هم بین شبهات تحریمیه و وجوبیه هر دو را آورده اند آنجا در..... به اصطلاح لباس مشکوک هر دو بحث را عنوان کرده اند اختصاص نداده اند به شبهات تحریمیه. در بعضی از فروض مسئله هم بین شبهه تحریمیه و شبهه وجوبیه فرق قائل شده اند. گفته اند بعضی جاها شبهه تحریمیه حکمش این است بعضی ها حکمش این نیست

مرحوم آقای صدر بحثشان را پیرامون کلام مرحوم نائینی در لباس مشکوک بحث را دنبال کرده اند. خب حالا این طرح اولیه بحث را ملاحظه فرمایید من چون محل بحث را معیّن نکرده بودم

سؤال:

پاسخ: آقای نائینی مثالی که می زند مثال خاصی می زند حالا ما چون در مورد مثالش هم بحث داریم

ایشان می گوید که اگر گفتند مثلا کن لا شارب الخمر. به موجبه معدوله المحمول. به این نحو که آن چیزی که مطلوب شارع هست لا شارب الخمر بودن است. می گوید اینجا این را مثال می زند مرحوم نائینی

البته مثال های روشن دیگری این بحث دارد آن را بحث خواهیم کرد. مثالش هم خودش یک بحث دارد که آیا این مثال چقدر درست هست یا درست نیست و اینها. حالا این بحث هایش را ملاحظه فرمایید. عرض کردم اینجا چند مرحله بحث داریم. یکی اینکه نکاتی که در این بحث هست آیا همه این نکات مربوط به شبهات موضوعیه است. این تقسیم بندی ها اصلش تقسیم بندی های عامی است. چه شبهه موضوعیه باشد چه شبهه حکمیه باشد این تقسیم بندی ها همه اش در آن می تواند بیاید. این تقسیم بندی ها در هر چهار قسمی که مرحوم آقای خویی مطرح فرموده اند در شبهات حکمیه هم تصویر دارد. ولی آیا این تصویری که دارد احکامشان هم فرق دارد؟ یعنی این چهار قسمی را که مرحوم آقای خویی مطرح کرده اند این چهار قسم را در شبهات حکمیه هم می شود تصویر کرد؟ آیا احکام این چهار قسم متفاوت هست یا نیست؟ این یک نکته و نکته دیگر این که آیا این چهار قسم فقط مربوط به شبهات تحریمیه است یا در شبهات وجوبیه هم این مطلب می آید یا خیر. نکته سوم اینکه حکم این چهار قسم چیست. آیا کلام مرحوم حاج شیخ درست است؟ کلام مرحوم آقای خویی درست است؟ این را بررسی کنیم و از این مرحله که بگذریم تقسیماتی که مرحوم نائینی در لباس مشکوک عنوان کرده اند که یک قدری گسترده تر از این تقسیمات است این تقسیمات هم در ضمنش گنجانده شده است ولی یک مقداری گسترده تر است. این نکته را هم ضمیمه کنم مرحوم آقای صدر کلام مرحوم آقای نائینی را به یک شکل خاصی بیان کرده است. و می گوید جوهر کلام مرحوم نائینی این شکل است که من خیلی متوجه نشدم که چرا این تغییرات را ایشان ایجاد کرده است و ضابطه را به آن شکلی که ذکر کرده است اصلا بحثش را به یک مدل دیگری مطرح کرده است که آقای حائری هم در حاشیه اشاره کرده است که کلام مرحوم آقای صدر با کلام آقای خویی متفاوت است و نحوه بیان و تبیین بحث خیلی متفاوت است و ایشان همان تبیین خود آقای نائینی را ترجیح می دهد که بهتر است بحث به همان شکل تبیین و عرضه شود. حالا اینها را ملاحظه فرمایید. ما محور اولیه را همین چهار قسمی که مرحوم خویی مطرح کردند مطرح می کنیم و بحث را از آنجا شروع می کنیم هم کلام خود آقای خویی را ملاحظه فرمایید و کلام آقای اراکی را که مطالبی که مرحوم آقای اراکی دارند من احتمال زیاد می دهم که اینها عمدتا تقریرات درس مرحوم حاج شیخ است. یعنی مطالب برگرفته از کلمات مرحوم حاج شیخ است اینجا مطالبش را نقل می کند از استاد و اینها. اینجا یک نکته ای در همین بحث در درر یک حاشیه ای از اقای اراکی چاپ شده است به عنوان حاشیه آقای اراکی است ولی لحن آن این است شما لحنش را ببینید می گوید که ما مثلا بین این دو قسم و قسم سوم فرق می شویم وجهش این است کأنه متن هم مال ایشان است. در حالی که متن مال درر است. حاشیه کأنه حاشیه اراکی است. علتش این است که آن حاشیه هم به نظر میرسد که از تقریرات آقای حاج شیخ است. باز آقای اراکی خودشان کلام آقای اراکی نیست. ولی علی أی تقدیر حاشیه درر که به این شکل است تقریرات مستقلی که به عنوان اصول فقه ایشان چاپ شده است آنها هم احتمال می دهم ولو آنها هم تقریرات ممکن است نباشد ولی جوهر و اصل کلام از تقریرات مرحوم حاج شیخ گرفته شده است و آنها هم به یک نحوی از انحاء می شود به مرحوم حاج شیخ نسبت داده شود به هر حال این مطالب را ملاحظهف رمایید ما انشاء الله از فردا. ما بحث های لباس مشکوک آقای نائینی را بعد بحث می کنیم. فروعش خیلی بیشتر است آن را بعدا دنبال می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد